

ایران روی بالکن؛ ایوان‌هایی که تاریخ‌ساز شدند

هاله انواری
ترجمه: شیدا قماشچی



تصاویر زیادی از طولانی‌ترین مذاکرات تاریخ موجود است. بسیاری از آن‌ها توسط ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شوند. در یکی از این عکس‌ها جواد ظریف که پیراهن آستین بلندی به تن دارد، نسخه‌ای از متن توافق را در دست دارد در عکس دیگری دست‌انداختن را پشت گوش گذاشته تا صدای خبرنگاران را از پایین هتل بشنود. تمامی این تصاویر یک وجه مشترک دارند. حفاظ فلزی بالکن هتل کوپورگ در تمامی این عکس‌ها به چشم می‌خورد. این بالکن به تاریخ سیاسی ایران و دستیابی به توافق بین‌المللی پیوسته است.

این تصاویر یادآور لحظات تاریخی دیگری در گذشته ایران هستند که معماری در آن‌ها نقش ایفا کرده است. سال ۱۹۴۳ است. جنگ تمام دنیا را فراگرفته است. بریتانیا، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی باید به یک استراتژی مشترک دست یابند تا هیتر را شکست دهند. از ابتدای درگیری‌ها، جنوب ایران توسط انگلیس‌ها و شمال آن به دست روس‌ها اشغال شده است. استالین فقط در تهران با چرچیل و روزولت ملاقات می‌کند، ظاهراً می‌خواهد نزدیک مسکو باشد. عکس‌های رسمی از این سه دولتمرد پس از پایان کنفرانس تهران در ایوان سفارت شوروی گرفته شده است. سفارخانه‌های در مرکز تهران که فقط یک کوچه از سفارت انگلیس فاصله دارد. دولتمردان بین‌سئون‌های عظیم نشستند و پنجره‌های قوس‌دار در پشت سر آن‌ها قرار دارند.

ایران کشوری توسعه‌نیافته محسوب می‌شد و از قحطی و کمبود غذا رنج می‌برد. رزاشاه مجبور به کناره‌گیری و ترک کشور شد. پسر او، محمدرضا، توسط انگلیسی‌ها به سلطنت رسید. حاصل کنفرانس تهران استراتژی جدیدی بود که به کمک آن متفقین توانستند فاشیسم را شکست دهند. ایران نفت مورد نیاز در جنگ را فراهم کرد و مسیر ارتباطی برای عبور مهمات از خلیج فارس به شوروی را نیز فراهم کرد. پس از آن بود که توسط متفقین به «پل پیروزی» ملقب شد.

ایرانی‌ها از این دیدار حیاتی که در خاک کشورشان برگزار می‌شد اطلاعی نداشتند و به آن دعوت نبودند. چرچیل شاه جوان را به سفارت خواند و گزارش مختصری به او داد. استالین تنها کسی بود که برای دیدار با شاه به کاخ او رفت.

نفتی که برای کمک به جنگ با فاشیسم مورد استفاده قرار گرفت، هنوز به ایران تعلق نداشت. یک دهه پس از آن بود که مصدق صنعت نفت ایران را ملی کرد. اقدامی که در نهایت به سرنگونی‌اش انجامید. در ایوان دیگری، در یک کیلومتری شمال این سفارخانه‌ها رد تاکنکه در حیاط خانه‌ای مشهود است. خانه‌ای است قدیمی که ستون‌های گچ‌شای یادگار معماری قاجار است. کسی در رواق خانه نیست، رواقی که دیوارهایش را شعر مرگ بر مصدق پوشانده است. ۱۹ آگوست سال ۱۹۵۳ است. کودتایی که با نقشه انگلیس و اجرای سسی‌آی انجام گرفت با موفقیت به پایان رسیده بود. جمعیتی به همراه یک تانک، خانه نخست‌وزیر را تاراج کردند. برگه‌های کاغذ تمام باغ را پوشانده است. مصدق دستگیر شده است. او در باغ منزلش در خارج از تهران، در حصر خانگی از دنیا خواهد رفت. کشور سرشار از ثروت نفت است، نفتی که با تلاش او ملی شد، ولی باز هم از او بادی نمی‌کنند. او در اتاق منزل روستایی‌اش دفن می‌کنند، حتی پس از مرگ نیز در تبعید است. در اتاق جسدش به آرامگاهش تصویری از او به چشم می‌خورد، در این عکس او با کت و شلوار آراسته بر روی سکو کنار ناقوس آزادی در فیلالدفیا ایستاده است و لبخند بر لب دارد. سال ۱۹۵۱ است و او تازه سخنرانی‌اش را ایراد کرده است، سخنرانی احساسات‌برانگیزی که در آن تلاش ایران برای ملی کردن صنعت نفت را با رهایی آمریکا از بریتانیا در سال ۱۷۷۶ مقایسه می‌کند. در آن زمان بسیاری از ایرانیان گمان می‌کردند که ایالات متحده آمریکا و قانون اساسی آزادخواهان‌اش حامی ایران در برابر استعمار انگلیس و روسیه است.

سکوی کوچکی در حوزه علمیه شهر قم، سال ۱۹۶۴. روحانی میانسالی بر منبر نشسته است و دریایی از علم‌های سفید زیر پای او جاریست. او مشغول ایراد خطبه است. او قانون تازه تصویب‌شده‌ای که نظامیان آمریکایی را در صورت ارتکاب جنایت از دستگاہ قضایی ایران مصون می‌داشت را محکوم می‌کند. در خطبه‌اش اعلام کرد که قانون کاپیتولاسیون شاه، تبعیر است. او به دلیل سخنانش توسط نخست‌وزیر شاه توپوخ و به تبعیر فرستاده شد، ابتدا به عراق و سپس به فرانسه. ۱۵ سال بعد که از تبعید بازگشت رهبر معنوی ایران انقلابی شده بود. پس از بازگشت، از پنجره مدرسه دخترانه رفاه با یاران وفادارش بیعت کرد. چارچوب ساده این پنجره، تاریخ را به قاب کشید. در اینجا ایوانی وجود ندارد. همان شب در پشت‌بام این ساختمان، نزدیکان شاه اعدام می‌شوند. در طول روز مردم در حیاط مدرسه ازدحام می‌کنند تا سخنرانی آیت‌الله روح‌الله خمینی را برای ایران جدید بشنوند. فوریه سال ۱۹۷۹ است.

کمی که به سمت شمال برویم، در بلواری که نام تخت افسانه‌ای پادشاهان ایران را به دوش می‌کشد، عقب آمریکا را به پایین می‌کشند. اواسط پاییز است و هنگام انتقام‌جویی فرا رسیده است. در مقابل ساختمان دو طبقه‌ای آجر قرمز سفارت آمریکا تنها چند پله قرار دارد تا معماری فایده‌گرایانه ۱۹۲۰ را تکمیل کنند. کارکنان سفارت به دلیل شباهت ساختمان به دبیرستان‌های آمریکایی آن را «هندرسون‌های» می‌نامند. به زودی مردانی با چشمان بسته شده از پله‌های سیمانی پایین آورده می‌شوند که همه جهانیان ناظر باشند. اکنون دیگر راه بازگشتی نمانده است. قرار است که همه دنیا را غافلگیر کنیم. همه قوانین را خواهیم شکست، بی‌دعوت به خاک سرزمین دیگری پا خواهیم گذاشت و به شهروندانش توهین خواهیم کرد. با ندی و خشونت رفتار خواهیم کرد زیرا از اینکه مورد حمله قرار بگیریم عاجز شده‌ایم. هرگوان‌ها پس از ۴۴۴ روز آزاد خواهند شد. اما در طی این مدت به شدت در جهان تنها خواهیم ماند. این احساس را در هشت سال جنگ با همسایه‌مان نیز تجربه خواهیم کرد. احساس می‌کنیم که به گوشه‌های رانده شده‌ایم ولی این عزت را با غرور و خشم بر دوش می‌کشیم. جوانانمان در جنگی که بی‌پایان می‌نماید نابود می‌شوند؛ صدام جوانانمان را با گاز شیمیایی می‌کشد و جهان فقط نظاره‌گر است. اما ما مقاومت می‌کنیم. هر سال پرچم آمریکا را به آتش می‌کشیم و در مقابل ساختمانی که اکنون لانه جاسوسی نام دارد فریاد مرگ بر آمریکا سر می‌دهیم. برنامه‌ای که مورد علاقه رسانه‌های جهان است.

رسانه‌های جهان ۱۷ روز پایین ایوان هتل کوپورگ صف می‌کشند تا شاهد پایان رویارویی‌مان با جهان باشند. گزارشگران بیشتری هم در خیابان‌های داغ پایتخت کشور برسه می‌زنند تا یکی دیگر از نمایش‌های ایران را مخابره کنند: جشن‌های خیابانی. آن‌ها سر می‌زنند و شادمانی ما را نظاره می‌کنند و از ما راجع به تحریم‌ها و سانسورفیوزیوها، اقتصاد و آینده می‌پرسند. از نحوه لباس پوشیدن زنانمان عکس می‌گیرند.

از بالکن‌هایمان به شهر نگاه می‌کنیم، جشن را می‌بینیم و با موبایل‌مان عکس می‌گیریم؛ روزی که تاریخ روشن‌تری از ایوانی در وین برپا شده است. خورد. گفت‌وگوهایمان تمامی ندارند. آیا با پایان تحریم‌ها زندگی آسنان‌تر خواهد شد؟ آیا درست بود که سانسورفیوزیوهایمان را واگذار کنیم؟ آیا این توافق در عرصه‌های بین‌المللی احترام بیشتری برایمان به همراه خواهد آورد؟ آینده چگونه خواهد بود؟ کی شاهد این تغییرات خواهیم بود و آیا این تغییرات اساسی هستند؟

می‌دها و تردیدهایمان را با هم در میان می‌گذاریم و می‌دانیم که به زمان احتیاج است، اما از یک چیز مطمئن هستیم: هرقدر که زمان بخته باشیم می‌دانیم که از ایوان شوروی تاکنون چه چیزهایی به دست آورده‌ایم.

منبع: گاردین

مروری بر روزنامه‌های مختلف در فردای امضای برجام روزی که همه از پیروزی دیپلماسی نوشتند

گروه سیاسی - هدیه گل‌محمدی: ۲۴ تیرماه ۱۳۹۴ روزنامه‌های جناح‌های مختلف کشور، همگی بیشتر فضای صفحه اول خود را به یک موضوع اختصاص دادند: توافق هسته‌ای ایران و غرب. امضای برجام در روز بیست و سوم تیرماه اتفاق بزرگی بود که بعد از مذاکرات طولانی و فشرده حاصل شده بود و امیدهای بسیاری را در آن زمان در دل‌ها زنده کرد. مردمی که سالها از تحریم‌های ظالمانه آمریکا لطمه خورده بودند و زیر بار فشارهای کمرشکن اقتصادی ایستادگی کرده بودند، برجام را نقطه پایانی بر این وضعیت می‌دیدند و به امید رسیدن به روز و روزگاری بهتر این موفقیت را جشن گرفتند.

در صفحه اول روزنامه‌های مختلف چند موضوع بیش از بقیه به چشم می‌خورد: قدرانی رهبر انقلاب از مجاهدات‌های تیم مذاکره کننده، سخنان حسن روحانی رئیس‌جمهور پیرامون این توافق و عکس‌هایی از محل امضای توافق و حضور محمدجواد ظریف در آن مراسم.

روزنامه جمهوری اسلامی در صفحه اول خود این سه موضوع را با سه تیتر و سه عکس جا داده بود: عکسی از دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت با رهبری که در آن دیدار، «رهبری از زحمات و مجاهدات صادقانه و مجدانه تیم هسته‌ای قدرانی و تشکر کرده بود»، عکسی از پایان مذاکرات با حضور محمدجواد ظریف و دیگر مذاکره کنندگان با تیتر «پیروزی تاریخی ملت ایران» و عکسی از حسن روحانی به همراه تیتزی از سخنان وی: «صوم استقامت با اقطار فتح و ظفر توام شد». این اتفاق در آخرین روزهای ماه مبارک رمضان افتاده بود.

روزنامه مردم سالاری اما همه نیم تای صفحه خود را به عکسی خندان از ظریف بر بالکن معروف محل مذاکرات اختصاص داده بود و تیتر «خجسته باد

این پیروزی» را برای این رویداد بزرگ انتخاب کرده بود. شرق هم به همین شکل عکس دیگری از دست دادن ظریف و جان کری وزیر خارجه وقت آمریکا را انتخاب کرده بود تیتر اولش را «شادی خیابانی پس از توافق وین / پیروزی بدون جنگ» برگزیده بود. عکس اول جام جم روزنامه متعلق به صدا و سیما مربوط به دیدار هیات دولت با رهبر انقلاب بود. این روزنامه هم قدرانی رهبری را پوشش داده بود و هم تشکر حسن روحانی بابت حمایت و هدایت رهبر انقلاب نسبت به دولت و تیم هسته‌ای را.

روزنامه دولتی ایران تصویری تمام قد از حسن روحانی که به سوی تریبون اعلام توافقی می‌رفت را برای صفحه اول خود برگزیده بود. تیتر اول این روزنامه «ایران بر قله توافق» بود. قدرانی رهبر انقلاب هم در بالای این صفحه با عکس رهبری آمده بود. روزنامه جوان که متعلق به سپاه پاسداران است نیز عکس یادگاری امضا کنندگان توافق شامل ظریف، کری، لاوروف، علی اکبر صالحی و فدریکا موگرینی را به عنوان تنها عکس صفحه اول خود برگزیده بود. تیتر اول جوان چنین بود: «ایران و قدرت‌های جهانی پس از ۱۲ سال مذاکره هسته‌ای به برنامه جامع اقدام مشترک رسیدند / تثبیت ایران هسته‌ای با ایستادگی ملت». روزنامه اعتماد هم تیتر «جهان تغییر کرد» را با عکسی از توافق کنندگان در مقابل عکس‌های خبری در صفحه اول خود جا داده بود. آرمان امروز نیز تیتر «توافق قرن» نامیده و تیتر اول «دنیا به احترام ایران ایستاد» را برای این شماره خود برگزیده بود. عکس و نقل قولی از مرحوم‌هاشمی رفسنجانی نیز در صفحه اول این روزنامه بود: «توافق هسته‌ای یادآور فتح خرمشهر بود».

روزنامه اطلاعات هم دو عکس از دیدار هیات دولت با رهبری و امضا کنندگان برجام را در صفحه اول خود جای داده بود و تیتر خبری «قدرانی رهبر معظم انقلاب از مجاهدات صادقانه و مجدانه تیم هسته‌ای» را به عنوان تیتر نخست خود انتخاب کرده بود. روزنامه کیهان اما تنها روزنامه‌ای بود که از همسان اول در مقابل برجام راهی را برگزیده بود که بعدها هم با حمایت از خروج «ارمپ از برجام» ادامه پیدا کرد و اکنون نیز ادامه دارد. این روزنامه برای خبر دیدار رهبری با هیات دولت، هیچ تیتری مبنی بر قدرانی رهبری نزنده بود و این سخن رهبری را به عنوان تیتر برگزیده بود: «پشتوانه روحی، معنوی و فکری عامل اصلی حل همه مشکلات است» تیتر اول این روزنامه هم «۱۸۰ درجه اختلاف، دو روایت از یک توافق» بود. کیهان در توضیح این تیتر خود ادعا کرده بود: «روسی‌ها ایستاده ایران و آمریکا در نقطه‌های تلویزیونی خود هر کدام به مواردی خاص و قابل تامل اشاره کردند که در برخی موارد متناقض به نظر می‌رسید. منفی بافی کیهان در یک تیتر فرعی دیگر هم مشخص بود: «انتظار معجزه نداشتند، توافقی دیگر فتح الفتوح نیست».

«تلاش‌های ظریف و کری نتیجه داد، توافق قهرمانانه ایران» تیتر اول روزنامه جهان صنعت بود که با عکس یادگاری از امضا کنندگان برجام صفحه اول این روزنامه را دربر گرفته بود. روزنامه آفتاب یزد هم با تیتر «کلید چرخید؛ ایران خندید» و عکسی از کنفرانس خبری مشترک محمدجواد ظریف و فدریکا موگرینی صفحه اول خود را بر کرده بود. روزنامه فرهیختگان، روزنامه متعلق به دانشگاه آزاد هم نیم تای اول خود را به عکسی از شادمانی مردم اختصاص داده بود و با تیتر «با به پای شادمانی مردم» نوشته بود. مردم ایران برای قدرانی از رهبر معظم انقلاب، دولت و تیم مذاکره کننده هسته‌ای دیشب را در خیابان گذراندند.

انتشار بیانیه وین در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ به عنوان توافق هسته‌ای میان ایران با گروه ۵+۱، واکنش‌های داخلی و بین‌المللی را به شکل قابل توجهی برانگیخت. چنانکه موجب استفاده گسترده از مفهوم «تاریخی». برای صورت‌بندی این رخداد سیاسی شد. برخی از آن‌ها عبارتند از: «روز تاریخی»، «روز خورند تاریخ»، «توافق تاریخی»، «روز تاریخی و تاریخ‌ساز»، «قطعه عطف تاریخی»، «شتیاب تاریخی» و ...

با فرض اینکه ناظران این رخداد سیاسی، هم اکنون در متن یک واقعه تاریخی قرار گرفته و در شکل‌گیری و تدوین این واقعه، مشارکت داشته و خواهند داشت، در این یادداشت این موضوع بررسی خواهد شد که چرا و چگونه برخی وقایع، به عنوان واقعه تاریخی قلمداد می‌شوند؟ عبارت دیگر، وقایع تاریخی در زمان وقوع، به چه اعتباری تاریخی و تاریخ‌ساز ارزیابی می‌شوند؟ نظر به اینکه ابعاد تاریخی توافق هسته‌ای، در نتیجه تاریخ‌نگاری آن، در آینده روشن‌تر خواهد شد، پاسخ به پرسش‌های یاد شده بسیار دشوار است. در عین حال واکنش به توافق هسته‌ای و مفهوم‌بندی آن از سوی موافقین و مخالفین، ناظر بر نگرش‌ها و روایت‌های متفاوت از مسئله هسته‌ای است. آنچه تاکنون گفته و یا نوشته شده و یا اندازهای دلیل اعتبار و عمیق‌تر به عنوان واقعه تاریخی قلمداد شده است، را در ادامه

۱- اعضای گروه ۵+۱ ضرورت و اهمیت توافق انجام شده را در چارچوب این مفهوم که «از دستیابی ایران به سلاح اتمی جلوگیری شد»، تشریح و تبیین می‌کنند. نظر به اینکه تعریف مسئله هسته‌ای در چارچوب تاریخی به بمب اتمی، بهانه‌ای برای حمله نظامی به ایران و ایجاد خاورمیانه جدید بود، بنابراین استراتژی تغییر نظام



جمهوری اسلامی و ایجاد خاورمیانه جدید متکی بر قدرت نظامی، بر اثر توافق هسته‌ای، با شکست همراه شد. به این اعتبار، فراتر از اهمیت نقش دیپلماسی به عنوان روش و ابزار در حل مسئله هسته‌ای ایران، تغییر در رویکرد غرب به ایران و منطقه و نتایج احتمالی آن اهمیت دارد که تغییرات گسترده و عمیقی را به دنبال خواهد داشت.

۲- توافق هسته‌ای در مقایسه با قطعنامه ۵۹۸، از تمایز و تفاوت اساسی برخوردار است. قطعنامه ۵۹۸ پایان یک جنگ بود، در حالی که توافق هسته‌ای بروزفت از یک بحران برای آغازی جدید در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کشور است. قطعنامه ۵۹۸ به لحاظ تاریخی تنها در نسبت با مسئله خاتمه جنگ و نه پشتیبانی از آغاز دوره جدید در ایران اهمیت دارد، به همین دلیل تجربه جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به لحاظ نظری و سیاسی - اجتماعی از بازسازی و توسعه اقتصادی در ایران پشتیبانی نکرد، در حالی که توافق هسته‌ای تاریخ‌ساز است، زیرا با امید به سرآغاز دوره جدیدی است که از تغییر ماهیت



است که طی یک دوره مذاکرات ۱۷ روزه به مناقشات ۱۲ ساله گذشته پایان داده است. در عین حال به دلیل تفکر تاریخی موجود در ایران، توافق‌نامه هسته‌ای و تاریخ‌نگاری آن در آینده، به موضوع، وقایع زمان و مکان و همچنین ترکیبی از رویکردهای تبلیغی و مناقشات سیاسی، محدود خواهد شد. همچنین رویکردها و روش‌های موجود در موضوع با مسئله هسته‌ای و نتیجه‌گیری درباره آن، موجب مفهوم‌بندی آن در یک طیف گسترده «موافق - مخالف» شده است. در عین حال رویکردها و روش‌های متفاوت در مفهوم‌بندی و تحلیل واقعه، صرفاً متأثر از متن توافق‌نامه نخواهد بود، بلکه متن تحول تاریخی را شکل داده و نتایج آن را تعیین کرده و خواهد کرد؛ ملاحظه‌ای که احتمالاً در تاریخ‌نگاری مغفول واقع خواهد شد.

۵- رویکردها و روش‌های متفاوت درباره متن توافق‌نامه هسته‌ای و روش دستیابی به آن، در عین حالی که دو موضوع متفاوت است، اما به هم پیوسته است. با این ملاحظه، اگر تاریخ‌نگاری واقعه با اتکاء به روش واقعه محور صورت بگیرد، واقعه و متن توافق‌نامه در روشن توجه قرار خواهد گرفت و رویکردها به حاشیه خواهد رفت. در حالی که رویکردهای مختلف، به همراه عوامل و شرایط تاریخی، واقعه و متن توافق‌نامه را شکل داده و تولید کرده است. دستکاری‌های موجود در روش تاریخ‌نگاری واقعه محور و مستند، به دلایل مختلفی که باید جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد، فهم از وقایع تاریخی و تاریخ‌ساز را در ایران محدود و مخدوش می‌کند، چنانکه شرایط و روندهای سیاسی اجتماعی را نادیده می‌گیرد. در نتیجه بررسی توافق هسته‌ای به زمان - مکان و برخی وقایع تقلیل می‌یابد. بر پایه توضیحات یاد شده این پرسش نگران‌کننده وجود دارد، آیا به لحاظ رویکردی و روشی، آنچه هم اکنون به عنوان یک تحول تاریخی در حال شکل‌گیری است، به آنچه که بعدها به عنوان تاریخ‌نگاری درباره این واقعه تاریخی می‌شود، تشابه و نسبت روشنی وجود خواهد داشت؟

منبع: تاریخ ایرانی